پنجشنبه ۶ مهر ۱۴۰۲ ■ ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۸۹۵

همشهری خانواده

عکس: همشهری/ حامد خورشیدی

افغان هراسی، پروژه مشترک تفرقه‌افکنان است

محمدکاظم کاظمی، شاعر و نویسنده افغان، شفاف‌سازی مسئولان را مانع شایعه‌پراکنی می‌داند

گزارش
مژگان مهرابی
روزنامه‌نگار

افغان‌هراسی موضوعی است که این روزها زیاد در فضای مجازی دست به‌دست می‌شود؛ اخبار نه چندان خوشایند درباره حضور مهاجران افغان و دردسرهایی که برای کشور درست می‌کنند. بسیاری شاکی هستند و می‌گویند هر جا نگاه کنی یک کارگر افغان در حال فعالیت است؛ درحالی‌که جوانان مملکت خودمان بیکارند. عده‌ای هم معترضند، مهاجران افغان از همه امکانات رفاهی استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که خود مردم ایران در مضیقه‌اند. آخرین خبر هم یکی، دو روز پیش اعلام شد: «اکانتی در فضای مجازی تحت عنوان پرستار بیمارستان فرقانی قم شناخته‌شده، در استوری خود نوشته: «از دیروز ظهر تا الان ۲۸ تا بچه که به‌دنیا اومدن ۱۹ نوزاد افغانستانی بودند.» همین اذهان را مشوش کرده که جمعیت مهاجران رو به افزایش است و اگر همینطور پیش برود تا چند سال دیگر تعداد افغان‌ها با ایرانی‌ها برابری می‌کند. این اخبار بلبشویی در فضای مجازی ایجاد کرده؛ تا جایی که شاهد برخوردهای نامهربان با اتباع افغان هستیم. اما اینکه چه کسانی موج افغان‌هراسی را راه انداخته و چه هدفی از این کار دارند، موضوعی است که با محمدکاظم کاظمی، نویسنده و شاعر افغانستانی درمیان گذاشته‌ایم و در این‌باره با او گفت‌وگو می‌کنیم.

افغان‌هراسی یک پروژه سیاسی است

ماه گذشته حسین عبداللهیان، وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی عنوان کرد: «روزانه ۵هزار زن، کودک و مرد افغانستانی وارد مرزهای ایران می‌شوند.» آمار قابل‌توجهی است؛ روند افزایشی ورود مهاجران افغانستانی به ایران با توجه به اینکه پیش‌زمینه ذهنی درباره آنها شکل نگرفته باعث شده معضلی به نام افغان‌هراسی به‌وجود آید؛ برای همین این روزها در فضای مجازی حرف‌هایی رد و بدل می‌شود که خبر از دلخوری مردم می‌دهد. اغلب گله‌مندند اتباع افغانستان در شهرهای کوچک و بزرگ کشور ساکن شده و از امکاناتی که حق آنهاست، استفاده می‌کنند. خدمات فرهنگی، درمانی، مدرسه، آب و برق و گاز، دارو و مسکن و اشتغال را در اختیار دارند؛ درصورتی که اینها حق خود مردم ایران است. این حرف‌ها شاید رنگی از واقعیت داشته باشد، اما آنچه مسلم است اینکه درباره بازگو کردن خبرها اغراق شده و همین ذهنیت مردم نسبت به مهاجران افغان را خاکستری کرده است. کاظمی در این‌باره می‌گوید: «پروژه افغان‌هراسی دیدگاه سیاسی دارد. حاصل کار کشورهایی که کمر به تفرقه بین کشور ایران و افغانستان بسته‌اند. آنها همسویی و همراهی این دو کشور را زنگ خطری برای خود می‌دانند و به این موضوع واقف هستند که وحدت ایران و افغانستان جز دردسر نتیجه دیگری برایشان نخواهد داشت؛ از این‌رو با مسموم کردن فضای رسانه و به‌خصوص مجازی باعث مشوش کردن اذهان می‌شوند.» این نویسنده در ادامه اشاره می‌کند: «در این میان هستند کسانی که گرایش ملی‌گرایانه دارند و همین باعث دلخوری‌شان می‌شود. زودباور بودن عده‌ای می‌تواند به آتش این خرمن دامن بزنند.»

افغان‌ها عامل افزایش نرخ بیکاری نیستند

به باور کاظمی، بهترین راه برای جلوگیری از افغان‌هراسی شفاف‌سازی مسئولان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور است. او می‌گوید: «به‌طور مثال چند سال پیش تحقیقی درباره نرخ بیکاری انجام شد. آمار بیکاری در استان‌های آذربایجان‌شرقی، مازندران و شهرهای جنوبی کشور که مهاجر افغان نداشتند، بیشتر بود؛ بنابراین نمی‌توان گفت نرخ بیکاری در شهرهای مهاجرپذیر بیشتر است. کسانی که برای کار به ایران می‌آیند، در قبال کار سخت حقوق کمی دریافت می‌کنند؛ از این‌رو صرفه اقتصادی برای سرمایه‌دارهای ایرانی دارند.»

یک دادوستد عادلانه

در اینکه مهاجران افغان دستمزد کمتری می‌گیرند، شکی نیست، اما اغلب معترضان به حضور مهاجران گله می‌کنند که افغان‌ها حقوق دریافتی خود را به افغانستان می‌فرستند و با این کار، سرمایه ارزی از کشور خارج می‌شود. کاظمی در جواب این جمله می‌گوید: «بعضی‌ها در افغانستان کار می‌کنند و پول را برای خانواده خود که ساکن ایران هستند، می‌فرستند. خیلی از مهاجرها هم در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند و خانواده‌شان در ایران است. آنها آنجا کار می‌کنند و برای پدر و مادر خود پول می‌فرستند. درواقع با حضور مهاجران افغان مقدار قابل‌توجهی ارز وارد ایران می‌شود.»

آلمان رتبه دوم در پذیرش مهاجران افغان

بد نیست بدانید ایران تنها کشوری نیست که افغان‌ها به آن مهاجرت می‌کنند. آلمان رتبه دوم در پذیرش مهاجرهای افغانستانی را دارد. کانادا، آمریکا و سوئد هم جمعیت قابل‌توجهی از مهاجران را در خود جای داده‌اند، اما در هیچ‌کدام از آنها پروژه افغان‌هراسی وجود نداشته است. این نویسنده معتقد است، این روزها همسایگی ایران و افغانستان خاری شده در چشم تفرقه‌اندازها؛ از این‌رو با گل‌آلود کردن آب سعی دارند موجی را به راه بیندازند تا وحدتی را که بین مردم این دو کشور وجود دارد، کمرنگ کنند. او می‌گوید: «با جدایی این دو کشور قطعا اتفاق خوبی نمی‌افتد؛ ۲مملکتی که از نظر فرهنگی خیلی به هم شبیه هستند. ایران و افغانستان یک فرهنگ واحد دارند. در دوران کهن، این دو کشور را به فلات ایران می‌شناختند؛ سرزمینی قدیمی و متمدن.»

خواهران غریب خاورمیانه

کاظمی به شباهت لباس و هنر صنایع‌دستی ایران و افغانستان اشاره می‌کند: «لباس مردم کشور هند و چین تفاوت زیادی دارد. نوع زندگی، غذا خوردن، دین و مذهب‌شان هم با هم یکی نیست. اما درباره افغانستان و ایران باید بگویم فرهنگ واحدی دارند. لباس افغانستان با لباس‌های محلی مردم تربت‌جام، خاش و بیرجند یکی است. در بین عشایر افغانستانی و ایرانی هنر سوزن‌دوزی یا گلیم‌بافی رایج است.» کاظمی در پایان به موضوعی اشاره می‌کند که جای تامل دارد و آن بی‌پناهی مهاجران افغان است که به ایران آمده‌اند. او می‌گوید: «در بین مهاجران افغان کم نیستند افرادی که توانایی زیادی در زمینه پزشکی یا فنی مهندسی دارند، اما به‌دلیل تنگناهای کشور افغانستان ناگزیر به مهاجرت شده و کارگری می‌کنند؛ درصورتی که اگر امکان شکوفایی استعداد آنها فراهم شود، قطعا موفق خواهند شد.»

اصل ماجرا

تغییر مدیران مدارس براساس آیین‌نامه است

کسانی که امروز از تغییر تعدادی از مدیران مدارس کشور شگفت‌زده و متعجب شده‌اند، حتما از مهم‌ترین ویژگی مدیریتی وزیر جوان آموزش و پرورش که «تحول‌گرایی» و «اقتدار مدیریتی» است و در سمت‌های مدیریتی پیشین وی منشأ آثار ارزشمندی شده، بی‌خبرند. رضا مراد صحرایی که پیش از این تغییر و تحول در مدیریت مدارس را از برنامه‌های مهم و جدی خود برشمرده بود، ۳۰شهریور از تغییر ۲۰هزار مدیر مدرسه خبر داد و آن را با هدف ایجاد تحول در مدارس عنوان کرد. او در مصاحبه‌ای مطبوعاتی توضیح داد: «امسال نزدیک به ۲۰هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند. همچنین ۷هزار مدرسه در مسیر تحول، شناسایی شدند که امسال در ۵هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.» اما عملیاتی شدن این وعده وزیر آموزش و پرورش بدون مقاومت نبود و در جامعه رسانه‌ای و فضای آموزشی کشور بازتاب زیادی داشت که تجمع تعدادی از اولیا و دانش‌آموزان یکی از مدارس سمپاد مقابل آموزش و پرورش ازجمله این حواشی بود. مهم‌ترین نکته‌ای که در مورد تغییر مدیران مدارس، مورد سؤال و ابهام قرار گرفته تعداد مدیران تغییریافته بوده که عده‌ای تغییر ۲۰هزار مدیر مدرسه را غیرعادی و عجیب دانسته‌اند؛ درحالی‌که مرادصحرایی نسبت تغییر مدیران در مقایسه با آمار جامعه مدیران مدارس کشور را منطقی می‌داند و در توضیح این موضوع می‌گوید: «ما ۱۲۰هزار مدیر مدرسه در کشور داریم و تغییر تعدادی از مدیران در مقایسه با آمار کلی مدیران مدارس طبیعی است.» او می‌گوید: «ما آیین‌نامه انتخاب و انتصاب مدیران مدارس را داریم که هر سال اواخر خردادماه اعلام و براساس آن جابه‌جایی مدیران مدارس صورت می‌گیرد. بسیاری از تغییراتی که صورت گرفته به‌دلیل بازنشستگی یا درخواست شخصی مدیران بوده و تعدادی از آنها هم مدیران مدارس یک کلاسه بوده‌اند.» فارغ از این پرسش و پاسخ‌ها، برای پیدا کردن دلیل تغییر مدیران مدارس بیراه نیست اگر به اطلاق اصطلاح «رهبران آموزشی» به مدیران مدارس به‌صورت جدی‌تر توجه کنیم، سال‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته و در تغییرات ساختاری نظام تعلیم و تربیت کشور مغفول مانده است، اما به‌نظر می‌رسد دولت سیزدهم و در رأس آنها سکاندار وزارت آموزش و پرورش در مسیر عینیت‌بخشی به این مفهوم کلیدی و تبدیل مدیران مدارس به راهبران آموزشی گام برمی‌دارد.

نقل قول

نوع شهادت آرمان علی‌وردی، مهر تأییدی بر حقانیت نظام و انقلاب بود

زهره الهیان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس: «شهید علی‌وردی واقعا همه را تحت‌تأثیر قرار داد و یک الگو و نمونه امروزی برای نوجوانان و جوانان ماست. نوع شهادت ایشان در این فضای فتنه و فتنه‌انگیزی که دشمن طراحی و اجرا کرد، مهر تأییدی بر حقانیت نظام و انقلاب بود. این شهادت‌ها باعث شد یک ملت نجات پیدا کند و بعد از شهادت شهدای مدافع امنیت، مردم راه خود را از دشمنان و بدخواهان ایران اسلامی جدا کردند.»

زمین رایگان به ۲۵۰۰ خانوار تهرانی اهدا می‌شود

خلیل محبت‌خواه، مدیرکل راه‌و شهرسازی استان تهران: هفته آینده در قالب طرح پویش پیامبر رحمت(ص) به ۲۵۰۰ خانواده دارای ۳ فرزند و بیشتر در استان تهران زمین رایگان اهدا می‌شود.

اجرای طرح یاوران نماز در مدارس

میکائیل باقری، مدیرکل امور قرآن، عترت و نماز آموزش و پرورش: طرح «یاوران نماز» در مدارس اجرا خواهد شد که در آن از ظرفیت والدین، معلمان بازنشسته یا ارکان و اعضای ستاد اقامه نماز استان‌ها و همه دلسوزان برای کیفیت‌بخشیدن به امر اقامه نماز کمک می‌گیریم. علاقه‌مندان به مشارکت در این طرح می‌توانند از طریق کارشناسان قرآن، عترت و نماز اداره‌های آموزش و پرورش یا «سامانه نورینو» اقدام کنند.

مهم‌ترین کار کانون‌های فرهنگی؛ رونق و آبادانی مساجد

مرتضی انقانی، مدیر ستاد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان مرکزی:

ستاد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد وظیفه دارد ظرفیت و امکانات دولتی و مردمی برای مقابله با تهاجم فرهنگی و جذب نوجوانان و جوانان به مساجد را به‌کار گیرد. مهم‌ترین کار کانون‌های فرهنگی هنری رونق و آبادانی مساجد و اضافه کردن یک صف به صفوف نماز جماعت است؛ نماز جماعتی که پرشور با حضور آحاد مردم به‌خصوص نوجوانان و جوانان باشد.

گزارش
سحر جعفریان
روزنامه‌نگار

از دافی تا چالش آرایش مدرسه

اصل ماجرای کلیپ‌های چالش آرایش مدرسه!

نسل زِد، همان نسلی است که تا چشم باز کرد، خود را در محاصره رایانه، تکنولوژی‌های هوشمند و فضای مجازی دید؛ نسلی با مختصات شخصیتی خاص که به توصیه جامعه‌شناسان و روانشناسان، به آگاهی‌بخشی و همراهی‌های دوستانه بدون روابط آمرانه والدگری نیازمند هستند تا به سلامت از بَرِ چالش‌های گونه‌گون دنیای مدرن بگذرند. یکی از این چالش‌ها که این روزها بسیار اخبارش را می‌خوانیم و تصاویرش را می‌بینیم، کیفیت مواجهه دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها با دوره تحصیل و آموزش است؛ کیفیتی گاه آمیخته با مصرف‌گرایی، افسار گسیختگی و رگه‌هایی از اعتراض؛ اعتراض به تفاوت فضای جامعه با فضاهای گسترده شده در دنیای مجازی؛ تفاوت‌هایی که می‌توان با طراحی و اعمال شیوه‌های نوین و با بومی‌سازی ترندهای مختلف جهانی البته منهای ترندها و فراگیرهای مغایر و متضاد با اصل و اساس دین و قانون، به حداقل و به صفر رساند و حتی پا را فراتر گذاشت و به واسطه اثربخشی حداکثری همان شیوه‌های نوین برای بومی‌سازی ترندهای جهانی، به صادرات فرهنگی دست یافت. در گذار از این موضوع، چندی است کلیپ‌هایی در معنای عام، طنز از موقعیت‌هایی مانند روز اول رفتن به مدرسه، خوشحالی والدین از جدایی چندساعته از فرزندانشان به بهانه حضور در مدارس، پایکوبی در حیاط مدارس با آهنگ‌های فاقد ارزش‌های هنری و انسانی و البته کلیپ‌هایی با موضوع چالش آرایش مدرسه و آموزش انواع میکاپ‌های پنهان در مدرسه (!) پربازدید شده‌اند. کلیپ‌هایی شاید طنز، اما آنچنان تلخ که ریشه‌های فرهنگی و سازه‌های اصول تربیتی را نشانه گرفته‌اند.

مجریان اغلب این کلیپ‌ها، تعدادی کودک و نوجوان هستند که سازندگانی غرض‌ورز پشت آنها پنهان شده‌اند؛ کودکان و نوجوانانی که قرار است طبق روالی مرسوم، همه تمرکز و حواس خود را به تحصیل و پیشرفت علمی معطوف کنند، اما درگیر حواشی می‌شوند که هدف این حواشی در ظاهر این است که چطور آن کودکان و نوجوانان صورت خود را آرایش یا موهایشان را پیرایش کنند تا هم زیباتر به‌نظر برسند و هم از دید کادر آموزشی و انضباطی مدرسه در امان بمانند! یا چطور با ایجاد تغییراتی در برش و دوخت لباس فرم مدارس، خوش‌پوش‌تر جلوه کنند، اما این فقط ظاهر ماجراست. در بطن و باطن حواشی به انگیزه‌هایی برای نابودی و انحراف نسل آینده در عرصه‌های مختف از علم تا اخلاق می‌رسیم؛ نسل آینده‌ای که بی‌خبر از دسیسه‌ها، فقط به‌دنبال آراستگی و نوعی خوش‌پوشی (در قالب ترندهای جهانی و بومی‌نشده) هستند که آن نیز، خواسته یا ناخواسته از مسیر زوال فرهنگی و سقوط تربیتی، عبور می‌کند.

حال، گره این ماجرا کجاست؟ اینکه دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها، تعریف دقیق و منطبق بر ارزش‌های بومی کشور از مفاهیمی مانند استایل و مُد ندارند، اینکه کلیپ‌های نامتعارف می‌سازند و هشتگ می‌زنند، چالش آرایش مدرسه و بسیاری ناپرهیزی‌های رفتاری دیگر، تقصیر چندانی متوجه‌شان نیست.

امان‌الله قرایی، جامعه‌شناس درباره ساخت و انتشار کلیپ با موضوع هشتگ آرایش مدرسه، می‌گوید: در آسیب‌شناسی این پدیده و پدیده‌هایی از این دست باید به پسین آنها مراجعه کرد؛ به زمانی که هنوز این پدیده و امثالهم شکل نگرفته بودند، اما پایه‌هایشان به‌تدریج در حال پی‌ریزی بودند؛ یعنی درست زمانی که باید از هویت خود به زبانی امروزی برای نسل جوان و کم‌تجربه سخن می‌گفتیم و نگفتیم؛ درست در همین زمان بود که پایه‌های وابستگی هویتی و فرهنگی شکل گرفت و در نهایت منجر به بروز و ظهور پدیده‌هایی نامتعارف ازجمله رواج و جسارت ساخت و انتشار کلیپ‌هایی فاقد محتوای مناسب شد. قرایی با تأکید بر ضرورت معرفی هویت غنی ایرانی و اسلامی، ادامه می‌دهد: خلأ هویتی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ را باید با کمک روش‌های جذاب و اجرای برنامه‌های فرهنگی ویژه، پر کرد. نسل جوان امروز کشور، اگر بداند چه پیشینه فرهنگی و مذهبی‌ای دارد، کمتر صید شکارچیان رسانه‌ای می‌شود. مقصر اصلی، خانواده و در مرحله بعد، جامعه و مسئولان هستند. خانواده‌هایی که در رفاقت را با این نسل باز نکرده‌اند و دانش خود در برابر گستردگی دانش آنها، توسعه نداده‌اند. خانواده‌هایی که به فراهم آوردن امکاناتِ سخت‌افزاری و زیرساخت‌های تجهیزاتی بیش از داده‌ها و آموزه‌های تربیتی اولویت بخشیده‌اند و از ابعاد معنوی داده‌های ارزشی که مورد تایید همه جوامع و ادیان هستند، غافل مانده‌اند؛ داده‌های ارزشی‌ای که نمی‌توان برچسب‌های خاصِ مذهبی و سیاسی بر آنها الصاق کرد. نسل جوان امروز به سواد رسانه و آگاهی روزافزون تکنیک‌های جنگ ترکیبی نیاز دارد.